

زوال تمدن

بمناسبت دهمین سال حمله نظامی آمریکا به عراق و اشغال این کشور ✖

Jungewelt.de

Karin Leukefeld

برگردان ناهید جعفرپور

جنگ هر آنچه را که در زمان جنگ های قبلی و زمان تحریم های سازمان ملل در عراق تضعیف ساخته بود منهدم نمود. جنگ نه تنها جامعه سالم عراق را بی جان نمود بلکه ملت عراق را نابود کرد. از سال 2003 تا اوائل 2012 طبق گزارشات کشورعراق در اثر خشونت های جنگ یک و نیم میلیون قربانی داده است.

از زمان حمله آمریکا به عراق در تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۰۳ در حدود یک و نیم میلیون عراقی مرگی وحشتناک داشته اند. بخاطر درگیری های مذهبی و نابودی محیط زیست زندگی روزمره تبدیل به مبارزه ای برای بقا گشته است.

جمال جبار ویسام در ماه مارس به خبرنگاری در بغداد می گوید: " من همیشه رویای این را داشتم که پزشک یا آرشیتک بشوم اما اوضاع بجائی کشید که هیچ چیزی آنطور که می خواستم نشد. امروز من تنها کار می کنم تا از خانواده و پدر و مادرم سرپرستی کنم. چه بروز من آمده؟".

ویسام ۲۳ ساله است و قهوه خانه کوچکی در مرکز بغداد دارد. در این جا مردان چای و قهوه و نوشابه می خورند و سیگار یکی بعد از دیگری دود می کنند و بلیارد بازی می کنند. زمانی که ده سال پیش آمریکائی ها و بریتانیائی ها با آکسیون بنام (آزادی برای عراق) به وطن او حمله ور شدند و این کشور را اشغال نمودند، وی دیگر شانس برای ادامه تحصیل پیدا نکرد. وی می گوید " انگار که چیزی در من شکست و رویاهای من همه نقش برآب شدند".

یاسمین دختر ۲۵ ساله کارمند وزارت ورزش و جوانان به خبرنگار می گوید " نسلی که در زمان اشغال عراق بین ۲۰ تا ۳۰ ساله بود در این فاصله بزرگ شد و آگاهانه و پر از ترس، جنگ و ورود سربازان خارجی از ۳۹ کشور به وطنشان را تجربه کردند". او بمب هائی را که دوهفته تمام روی بغداد ریخته می شد خوب بخاطر می آورد و می گوید که وی در آنزمان بمب باران ها به همراه پدر و مادر و خواهر و برادرانش

از ترس در اطای از خانه شان نشسته و دعا می خواندند و هر لحظه مرگ خود را پیش روی مجسم می کردند. یاسمین می گوید بعد از حمله آمریکائی ها به بغداد دوران سختی آغاز شد. هیچ قانون و امنیتی وجود نداشت. هیچ چیز. تنها اشغال حقیقت داشت. درست مثل این بود که زندگی از این کشور رخت بر بسته بود. قبل از اشغال او رویای گذراندن دوره ای را در سر داشت تا بتواند برای کشورش مفید باشد. او می خواست در پیشرفت عراق که نزدیک ۱۳ سال تحت تحریم های سخت سازمان ملل استقلال خود را از دست داده و از همه سو در سطوح بین المللی ایزوله شده بود، سهمی داشته باشد. اما امروز تنها آرزویش ترک وطن است. آرزو دارد بجائی برود که امنیت و ثبات را پیدا کند و از این وضعیت اسفناک راحت شود.

شکنجه بجای حقوق بشر

سازمان های مددکاری بین المللی در بسیاری از گزارش ها و اعلام نظر خود بمناسبت دهمین سالگرد حمله به عراق از " شرایط اسفناک " نام برده اند. سازمان عفو بین المللی گزارش غم انگیزی را در رابطه با وضعیت اسفناک حقوق بشر در بین النهرین علنی نمود. طبق این گزارشات شکنجه، زندانی شدن و محاکمات ناعادلانه کاری روزمره بوده است. در فاصله این ده سال اخیر از سوی ارتش اشغال گر و همچنین پلیس و نیروهای امنیتی عراق بطوری سیستماتیک به مردم آزار رسیده است.

در تحقیق عفو بین الملل با تیترا " یک دهه خدجه دار نمودن حقوق بشر " مثال هائی در رابطه با زندان های مخفی و شکنجه در عراق آورده شده است و برای این فجایع نیروهای اشغالگر بویژه آمریکا و بریتانیای کبیر مسئول شناخته شده اند.

حسیبه حاج سهرویی رئیس بخش خاورمیانه و آفریقای شمالی به خبرنگار می گوید " بسیاری از عراقی ها خوشحالند از اینکه امروز آزادی بیشتری دارند تا زمان صدام حسین اما حقوق بشر پایه ای که می بایست تا به امروز نهادینه گردد، متأسفانه جایش خالی است. چه نیروهای اشغالگر و چه دولت های رنگارنگ عراقی و یا شوراهای موقت به استناداردهای حقوق بشری پایبند نبودند. دقیقاً از همان روز اول نیروهای اشغالگر مردم را شکنجه دادند. زندانهای چون زندان ابو قریب در تاریخ عراق ثبت و در اذهان مردم عراق حک شدند. اوائل ماه مارس در لندن یک محاکمه علنی بر علیه وابستگان نیروهای نظامی بریتانیائی آغاز گشت. به آنها اتهام زده شده است که در ماه مه ۲۰۰۴ حداقل ۲۰ زندانی عراقی را در بصره و ال عماره بقتل رسانده

اند. احکام قتل که درست بعد از حمله نظامی سال ۲۰۰۳ اجرا گشت در سال ۲۰۰۴ مجدداً تکرار گشت. اعدام ها فوراً آغاز شدند. از جمله مجازات صدام حسین رئیس جمهور اسبق عراق بعد از یک محاکمه مشکوک. حداقل ۴۴۷ از آن زمان زندانی بقتل رسیدند. تنها در سال ۲۰۱۲ صد و بیست و نه نفر بدار آویخته شدند. طارق عزیز وزیر امور خارجه اسبق عراق هم همچنین در سلول مرگ قرار گرفت. همواره هرچه بیشتر در سلول های زندان اعدام زندانیانی که تحت شکنجه قرار داشته اند، انجام می پذیرند. در رابطه با اعدام ها عراق مقام چهارم را در جهان داراست.

طبق گفته معاون نخست وزیر، حسین ال شهرستانی در حال حاضر در حدود ۳۰۰۰۰ زندانی در عراق وجود دارد. بسیاری از آنان افراد اپوزیسیون دولت فعلی نوری المالکی از حزب دعوت اسلامی می باشند. به تحریک افراط گرایان در مناطق مختلف عراق مرتباً با اتهام " سیاست های منهدم کننده" نخست وزیر بر علیه سنی ها اعتراضات برقرار است. خود مالکی به گروه مذهبی شیعه تعلق دارد اما بیشتر ناسیونالیست است تا افراط گرا. بدون شک وی در یک مبارزه قدرتی با معاون رئیس جمهور طارق ال هاشمی که وی را متهم به تشکیل گروه های شبه نظامی و قتل های سیاسی می کند، بسر می برد. ال هاشمی دبیر کل حزب اسلامی عراق که در اپوزیسیون ال مالکی قرار دارد، می باشد. ال هاشمی که امروز در ترکیه زندگی می کند، ال مالکی را متهم می کند که بر علیه سنی ها در عراق جنگ براه انداخته است. وی در یک محاکمه غیابی در ماه سپتامبر ۲۰۱۲ به اعدام محکوم شد.

در این فاصله افراط گرایان سنی به غیر نظامیان شیعه در مناطق مسکونی و شهرهای مذهبی حمله ور شده و این جنگ سیاسی در سطوح مذهبی خود را هر چه بیشتر نشان می دهد. محرک این مسئله در شرایط کنونی وضعیت جنگ در سوریه است که در آن گروه های الاقاعده عراق و دیگر جهادگران درگیرند. سازمان سنی دولت اسلامی در عراق در فوریه ۲۰۱۳ فراخوان داد که مردم سنی عراق باید اسلحه های خود را بر علیه دولت شیعه عراق در بغداد بکار گیرند. ابو محمود ال ادنانی سخنگوی سازمان سنی دولت اسلامی عراق اظهار داشته که در فاصله اکتبر و دسامبر ۲۰۱۲ هشتاد و دو حمله بر علیه نیروهای امنیتی دولت انجام پذیرفته است. وی می گوید " ناموس و شرف بدون خونریزی بدست نمی آید".

طبق گزارشات در مناطق خود مختار کردنشین عراق در شمال عراق با وجود اینکه حملات و قتل های کمتری انجام می پذیرد اما با این وجود در آنجا هم وضعیت حقوق بشری به هیچ وجه بهتر از سایر نقاط عراق

نیست. هر دو قبیله کردی با دو حزبشان این قلمرو را زیر کنترل خویش دارند: نخست وزیر و رئیس جمهور از سوی قبیله بارزانی و دفتر ریاست جمهوری از سوی خانواده طالبانی (جلال طالبانی) کنترل می شود. همچنین گزارش‌هایی در باره شکنجه و آزار زندانیان در مناطق خود مختار کردنشین هم وجود دارد و دولت خود مختار همواره خبرنگاران و رسانه‌هایی را که به قبیله بارزانی و سیاستش نقد دارد را تحت فشار قرار می دهد.

چرخه ناامیدانه

کمیته بین المللی صلیب سرخ در اعلام موضع خود بمناسبت دهمین سال حمله به عراق می نویسد " مردم عراق زیر بار سنگین یک دهه جنگ رنج می برند. خدمات عمومی موجود نیست و زیرساختارها از بین رفته اند و فقر همواره بزرگتر می شود. با میانگین سنی ۲۰ سال - با وجود اینکه ۳۸ درصد جمعیت عراق زیر ۱۴ سال است - جوانان عراقی بیشتر از همه قیمت دهه ها جنگ را می پردازند: ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ جنگ ایران و عراق، ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ آغاز تحریم های ۱۳ ساله سازمان ملل بخاطر حمله عراق به کویت و ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور و نابودی تمامی دستاورد های علمی، پزشکی و آموزشی را که این کشور بعنوان پنجمین کشور با ذخایر بزرگ نفتی جهان از زمان دولتی شدن صنایع نفتی ۱۹۶۸ / ۱۹۷۲ بدست آورد.

بیشتر از همه در مناطق روستائی و مناطقی که در آن جنگ انجام گرفته است، مردم هیچ دسترسی به خدمات بهداشتی و آب پاکیزه ندارند. خشکسالی و کاهش سطح آب در رودخانه های فرات و دجله منجر به کمبود مزمن آب در بین النهرین گشته است. آب دلتای رودخانه در بصره بسیار شور است و به مجموعه زراعت عراق آسیب می رساند. در زمین های عراق طبق تخمین ها تا کنون در حدود ۲۵ میلیون مین های زمینی و دیگر ابزار آسیب زای جنگ های قبلی بویژه در مناطق مرزی ایران و عراق بطرف ترکیه وجود دارد که زمین ها را آلوده ساخته است.

عراق کشوری است که بشدت از پیامدهای مهمات رادیو آکتیوی (با اشعه اوران) رنج می برد. این مهمات در جنگ های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ بکار گرفته شده اند. حتی در زمان اشغال هم در سال ۲۰۰۴ در اشغال شهر فلوجه در غرب بغداد هم از این مهمات استفاده گشته است. سال ۱۹۹۱ پس از جنگ ایران و عراق مقامات عراقی بخاطر تحریم های سازمان ملل فاقد پول کافی و ابزار کافی برای پاکسازی این مواد زیان آور از

روی زمین های کشور بودند. در اوائل اشغال عراق سال ۲۰۰۳ آمریکا و بریتانیا هنوز هم از اینکه عراقی ها به خطرات این مهمات پی ببرند سر باز زدند و به پاکسازی این مناطق نپرداختند. طبق بررسی ها در حدود ۳۰۰ منطقه آلوده وجود دارد. هنوز هم کودکان ناقص بدنیا می آیند درست بمانند گزارشات از فلوجه و دیگر شهرستانهای جنوبی عراق. از آنجا که از مهمات آلوده به رادیوآکتیو مجددا استفاده شده است در حالت کنونی تمامی زمین های عراق آلوده است.

بی امنی، مریضی و بیکاری چرخه ناامیدانه ساخته است که عراقی ها امروز با آن زندگی می کنند. زمانی که اوائل ماه مارس ۲۰۱۳ در شمال شهر بصره در منطقه نفتی (۲) شورش دامنه گرفت، بغداد ارتش را به آن منطقه روان نمود. در این شورش ۴۰۰ کارگر هجوم به تاسیسات نفتی آورده و خواهان کار شده بودند اما ارتش آنها را عقب نشانده بود. این چاه های نفت که هنوز به تولید نیافتاده اند از سوی شرکت روسی اداره می شود که در حال حاضر تاسیسات جدید را نصب نموده اند. همچنین شرکت کره جنوبی سامسونگ هم در این منطقه حضور دارد. عبدال کریم ال لویابی وزیر نفت عراق در آخر هفته گذشته اعلام نمود که در پنج سال آینده پول بیشتری در بخش انرژی سرمایه گذاری خواهد شد. با ۱۷۳ میلیارد دلار برای نوسازی تاسیسات تولید نفت هزینه خواهد شد تا بدین وسیله استخراج نفت به ۹ میلیون بشکه در روز بالا رود تا به بودجه دولت ۶۰۰ میلیارد دلار دیگر افزون شود. در حال حاضر عراق روزانه ۳،۱۵ میلیون بشکه یعنی به همان اندازه قبل از جنگ یعنی سال ۲۰۰۲ تولید می کند. ثروت ناشی از نفت نصیب مردم عراق نمی شود و بیکاری رسمی در عراق بالای ۱۰ درصد است. مرکز بابل برای حقوق بشر و توسعه مدنی از این حرکت می کند که ۸۹ درصد مردان زیر ۳۰ سال خواهان ترک عراق هستند تا در خارج از عراق کاری بیابند.

خشونت و نفوذ رو برشد مذهب بر سیاست، وضعیت زنان را در عراق بطور مداوم وخیم تر نمود. اگر چه پارلمان عراق از یک حد نصاب ۲۵ درصدی سهمیه زنان برای انتخاب نماینده زن برخوردار است اما نفوذ واقعی زنان در سیاست بسیار کم و محدود است. سازمان " اونی فم" سازمان زنان سازمان ملل متحد همین اخیره به شرایط بسیار بد زنان عراقی و به حاشیه رانده شدن آنان در سیاست، اقتصاد و جامعه اشاره نمود. آنها دسترسی ناکافی به خدمات آموزشی و بهداشتی داشته و از بازار کار رانده می شوند و خشونت بر علیه زنان رو برشد است. سازمان اونی فم می گوید " محدود ساختن زنان در بازار کار بخاطر حس و درک

کاذب از ارزش های سنتی و فرهنگی و اجتماعی است. جامعه، نهادها و سازمان های دولتی به حقوق زنان احترام نگذاشته و برای آن ارزشی قائل نیستند. وضعیت زنان در جنگ های مسلحانه، شراکت فعالانه آنان در مذاکرات صلح، میانجیگری و بازسازی (قطعنامه ۱۳۲۵ سازمان ملل متحد) نادیده گرفته می شود. عراق با وجود اینکه میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را امضا نموده است اما در دهه گذشته به هیچ وجه هیچکدام از دولت های چه موقت و چه انتخابی برای اجرای آن حرکتی نکردند.

هزاران خانواده طبق گزارش های صلیب سرخ جهانی هنوز هم بدنبال بستگان مفقود خویش می گردند. یک و نیم میلیون بیوه نمی دانند که چگونه فرزندان خویش را تغذیه کنند.

سبیه عبید حمزه زن عراقی در اوائل ماه مارس امسال داستان زندگی اش را برای خبرنگاری در وزارت حقوق بشر عراق تعریف می کند: شوهر او کریم احمد عابد در تاریخ ۱۳ جون ۲۰۰۶ به محمودیه می رود و دیگر باز نمی گردد. از آن زمان وی با ۷ فرزندش تنها زندگی می کند. وی می گوید " تنها خدا می داند که این مدت چه بر سر او آمده است. او بدنبال همسرش به تمام گور های دسته جمعی و تمامی سردخانه ها سر زده اما نه مرده و نه زنده او را نیافته است. او امید دارد که وزارت حقوق بشر به او کمک کند اما در آنجا هم راه بجائی نیست. تا کنون ۱۶۰۰ نفر در این اداره مفقود اعلام شده اند که غالب آنها در فاصله سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ که ماهانه در حدود ۳۰۰ نفر بقتل می رسیدند، مفقود گشته اند. ارکان صالح فعال حقوق بشری این اداره که بخش مفقودین را اداره می کند، می گوید " البته آمار واقعی می تواند بیش از این آمار رسمی باشد. زمان زیادی گذشته است و ما فکر می کنیم که غالب این مفقودین زنده نیستند".

درگیری های مذهبی

بتازگی اسناد قابل توجه ای از سوی گاردین بریتانیا و بی بی سی عربی افشا گردیده است که در آن نقش جنایتکارانه سرهنگ جیمز استیل کارشناس ضد ترور آمریکائی در عراق نشان داده می شود. این سرهنگ بازنشسته جانباز جنگ ویتنام است. جائی که او کثیف ترین روش های ضد شورش را آموخته است. در نیکاراگوئه و السالوادور وی در سال های ۸۰ مامور مبارزه با جنبش چریکی بوده است. او جوخه های مرگ را در ارتش سازماندهی نموده است. با تجربه هایش از آمریکای مرکزی و " گزینه السالوادور" در سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ در عراق مسفر گردید. جائی که وی با نمونه قرار دادن السالوادور در زمان فرماندهی ژنرال

داوید پترائوس، مسئول بازسازی و سازماندهی کماندوهای ویژه پلیس گشت. این نیروهای شبه نظامی بخشا از بریگاد بدر که شبه نظامیان شیعه آموزش دیده در ایران می باشند، برمی خیزند. جنگجویان آنان پر از نفرت نسبت به وابستگان دولت صدام حسین بودند. حال آنها تعلیم داده شده بودند تا در مقابل کسانی بجنگند که بر علیه نیروهای اشغالگر عراق مبارزه می کردند. در مدت کوتاهی لشکری ویژه با ۱۵۰۰ مرد ترسناک تشکیل گشت. این ماموران ویژه یاغی با تعلیمات ارتش آمریکا عراقی ها را ناپدید، شکنجه، و بقتل می رساندند و در زندانهای سری که در تمامی کشور پخش بود، محبوس می نمودند. سرهنگ استله شخصا و مستقیما برای وزیر دفاع اسبق آمریکا دونالد رامز فلد و دیک چنری و رئیس جمهور جرج بوش گزارش می فرستاد. وی بالاترین فرمان ها را در اختیار داشت.

دانه های "گزینه السالوادر" در سال ۲۰۰۶ محصول داد آنهم زمانی که مسجد گنبد طلائی عسکریه در سامارا بمباران شد و این باعث شد تا حمام خون راه افتاد. و دقیقا در همان سال در حدود ۱۰۰۰۰ انسان قربانی شدند. تا به امروز هم هنوز روشن نشده است که چه کسانی برای این انفجارها مسئول بودند. اما این روشن است که این واقعه در برابر چشمان کماندوی شبه نظامی که سرهنگ ضد ترور استله در آن محل سازماندهی نموده بود، اتفاق افتاده است. جوخه های مرگ در منطقه بزرگی در سامارا قرار داشتند و کتابخانه محل تبدیل به اطاق شکنجه شده بود. در ماه مه ۲۰۰۵ پتر ماس ژورنالیست بسیار مفصل در این باره در مجله نیویورکر تایمز گزارش داده بود.

یک ملت نا بود می شود

جرج بوش در سخنرانی اش در باره "ملت" در ژانویه ۲۰۰۲ از کشورهای عراق، ایران و کره شمالی بعنوان "محور شرارت" نام می برد. وی می گوید "این کشورها مسلح می شوند تا صلح جهانی را به مخاطره اندازند. آنها از تروریسم پشتیبانی می کنند". برای اینکه ادعای خود را اثبات کند هفته ها و ماه های بعد از سخنرانی "مدارک" سیاسی در رسانه ها علنی گشت که توسط آن حرکت نظامی ارتش آمریکا به سوی دریای مدیترانه و خلیج فارس را توجیه می کرد. طبق این مدارک عراق از الاقاعده پشتیبانی کرده و تسلیحات کشتار جمعی داراست. و بدنبال این بوش اعلام جنگ بر علیه تروریسم نمود و اول افغانستان و بعد عراق را مورد هدف خود قرار داد. بعدا معلوم شد که اتهام های بوش بر علیه عراق نادرست بود. القاعده هیچگاه در عراق نبوده است و عراق تسلیحات کشتار جمعی نداشت.

جنگ هر آنچه را که در زمان جنگ های قبلی و زمان تحریم های سازمان ملل در عراق تضعیف ساخته بود منهدم نمود. جنگ نه تنها جامعه سالم عراق را بی جان نمود بلکه ملت عراق را نابود کرد. از سال ۲۰۰۳ تا اوائل ۲۰۱۲ طبق گزارشات کشورعراق در اثر خشونت های جنگ یک و نیم میلیون قربانی داده است. در تحقیقی از سوی پزشکان بین المللی برای جلوگیری از جنگ هسته ای آمده است که حداقل دو میلیون انسان از عراق متواری شده اند. آژانس پناهندگان سازمان ملل گفته است که بزرگترین موج متواری شدن از زمان متواری و رانده شدن فلسطینی ها در سال ۱۹۴۸ بعد از تاسیس کشور اسرائیل، مورد عراق بوده است. دقیقا همین تعداد انسان درون عراق خانه و کاشانه خود را رها کردند و به مناطق دیگر عراق رفتند. امروز هیچ عراقی در همان خانه ای که ده سال پیش سکونت داشته است زندگی نمی کند.

جنگ علیه عراق این کشور را پناهگاهی برای برگشت گروه های جنگجوی اسلامی نمود که در لیبی و سوریه و مالی برای اهدافشان بسر می بردند و اکنون بسر می بردند. شعارهای دگم مذهبی آنها سرپوشی برای اهداف واقعی وجودی آنهاست. به واقع هم آنها مزدوران در خدمت ایالات متحده آمریکا هستند که به خاطر شرایط مالی و دلائل سیاسی داخلی نمی توانستند نیروهای خود را وارد کنند. آمریکا و اروپا از این گروه ها استفاده می کنند تا در خاورمیانه که هدف مورد علاقه شان است، نفوذ داشته باشند. گاهی هم اجازه می دهند تا نیروهای جنگنده نا منظم با شرکت های امنیتی خصوصی و سرویس های امنیتی این گروه ها را کنترل نمایند. عملیات این گروه ها در یک جنگ باز باعث بی ثباتی منطقه می شود و از توسعه ملی جلوگیری می کند.

قطر و عربستان سعودی این گروه های شبه نظامی را مسلح و تامین مالی می کنند تا بدین وسیله خورده حساب های قدیمی خود را با رقبای سیاسی ناخوشایند خود تصویه کنند. درست بمانند لیبی و اکنون در سوریه. آنها می خواهند نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه را متوقف سازند. از این رو از درگیری میان سنی و شیعه صحبت می شود. ترکیه از این مزدوران استفاده می کند تا نقشه های تبدیل شدن خود را به ابر قدرت بزرگ منطقه و بعنوان نیروی رهبری کننده اخوان المسلمین تثبیت کند. آنها مناطق مرزی ترکیه/ سوریه را بی ثبات می کنند تا بدین وسیله یک پل دفاعی در شمال سوریه به وجود آورند. جنگ ۲۰۰۳ بر علیه عراق خود را گسترش داده است.